

بسم الله الرحمن الرحيم

از ایران چه می‌دانم؟ / ۱۴۰

مکتب‌خانه در ایران

دکتر ناصر محمدی همایون



دفتر پژوهشهای فرهنگی

تکمیل همایون، ناصر، ۱۳۱۵ -

مکتب‌خانه در ایران / ناصر تکمیل همایون - تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی، ۱۳۹۷.

۱۲۶ ص.: مصور - (از ایران چه می‌دانم؟؛ ۱۴۰)

ISBN: 978-964-379-443-9

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.

۱. مکتب‌خانه‌ها - ایران. ۲. مکتب‌خانه‌ها - ایران - تاریخ. الف. دفتر پژوهشهای

فرهنگی. ب. عنوان.

۳۷۰/۹۵۵

۱۳۹۷ م ۷ ا ۸ / ۱۳۵۲ LA

۵۱۰۰۸۳۳

کتابخانه ملی ایران

ISBN: 978-964-379-443-9

شماره: ۹-۴۴۳-۳۷۹-۹۶۴-۹۷۸

* مکتب‌خانه در ایران از ایران چه می‌دانم؟ / ۱۴۰

* مؤلف: دکتر ناصر تکمیل همایون

* ویراسته: مریم ربیعی

* تصویر روی جلد: نمارگران مجلس درس؛ خمسه نظامی

* طراح جلد و صفحه‌آرایی: مریم داورزنی

* شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه چاپ اول: ۱۳۹۷

روش نگارش اسامی فارسی در صفحه عنوان لاتین و پشت جلد کتاب، بر مبنای قاعده انتخاب‌شده در دفتر پژوهشهای فرهنگی است. برای اطلاع از این روش می‌توانید به وبسایت www.iranculturalstudies.com مراجعه کنید.

همه حقوق محفوظ است. هرگونه تقلید و استفاده از این اثر به هر شکل بدون اجازه کتبی دفتر پژوهشهای فرهنگی ممنوع است.

دفتر پژوهشهای فرهنگی



مراکز اصلی پخش و فروش:

• دفتر و فروشگاه مرکزی: تهران، خیابان کریم‌خان زند، خیابان ایرانشهر شمالی، کوچه باقری

قصرالدشتی، شماره ۵، کدپستی: ۱۵۸۴۷۴۷۹۱۳

صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۴۶۹۱

دورنگار: ۸۸۳۰۲۴۸۵

تلفن: ۸۸۸۲۱۳۶۴

تلفن‌های فروش: ۸۸۸۴۹۴۶۱، ۰۹۳۵۲۴۷۹۸۴۷

پست الکترونیک: lahze1386@gmail.com

فروش الکترونیک: www.iranculturalstudies.com

• پخش مرکزی: تهران، میدان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، نبش خیابان شهید وحید نظری، شماره ۲۵۵.

دورنگار: ۶۶۹۵۰۱۴۶

تلفن: ۶۶۴۱۷۵۳۲، ۰۹۱۲۲۱۷۷۶۴۷

فهرست مطالب

۹

پیش‌سخن

فصل یکم. شکل‌گیری آغازین آموزش کودکان در ایران و جهان اسلامی ۱۹

۱. نخستین کوشش‌های ارزش ۲۰

۲. پایه‌های نخستین آموزش ۲۲

۳. مکتب‌خانه و مکتب‌داری ۲۴

۴. مؤدب و وظایف آن ۲۹

۵. آموزش بردگان (ترابی) ۳۳

فصل دوم. مکتب‌خانه‌های ایرانی دوره اسلامی تا حمله مغولان ۳۷

۱. شکل‌گیری مکتب‌خانه ۳۸

۲. هزینه و مسائل مالی ۴۰

۳. انواع مکتب‌خانه ۴۳

۴. مکتب‌خانه و حاکمیت اجتماعی - سیاسی ۴۴

فصل سوم. مکتب‌خانه‌های ایران در سده‌های میانه ۴۹

۱. ایستایی در تقابل با انحطاط ۵۱

۲. دو مرحله چشمگیر فرهنگی ۵۲

- ۵۳ ۳. استمرار شیوه‌های کهن
۵۴ ۴. آموزش‌های مکتبی

۵۹ فصل چهارم. مکتب‌خانه‌های ایران در دوره صفویه

- ۶۰ ۱. ممیزات تاریخی
۶۱ ۲. اخبار جهانگردان اروپایی
۶۹ ۳. ویژگی‌های مکتب‌خانه‌های دوره صفویه
۷۲ ۴. مکتب‌خانه‌های خاص
۷۳ ۵. شیوه‌های آموزشی و مواد درسی
۷۴ ۶. هزینه و مخارج مالی

۷۷ فصل پنجم. آشفتگی فرهنگی در دوره آشوب

- ۷۸ ۱. وضع مکتب‌خانه‌ها
۸۰ ۲. شیوه‌های آموزش

فصل ششم. نظام مکتب‌خانه در رویارویی با تحولات جدید

- ۸۱ (دوره اول سلطنت قاجار)
۸۲ ۱. شکل‌گیری مکتب‌خانه (استمرار کارکردهای آموزش سنتی)
۸۴ ۲. سازمان و اهداف

۸۹ فصل هفتم. مکتب‌خانه‌های دوره ناصری (فرایند نقد و تحول)

- ۸۹ ۱. استمرار نظام مکتب‌خانه
۹۰ ۲. احوال و اقوال مکتب‌دیدگان
۹۶ ۳. آموزش خانگی (آموزش‌هایی از زبان اعیان و اشراف)

۱۰۲	۴. طلّیعه مدرسه‌های جدید
۱۰۵	فصل هشتم. دوره مشروطیت و مکتب‌خانه‌های تاریخی
۱۰۵	۱. مکتب‌خانه‌ها در معرض تحول
۱۰۸	۲. نهضت مشروطه‌خواهی و نظام آموزشی مکتب‌خانه
۱۱۳	۳. پسین حیات سنتی
۱۱۵	سخن پایانی
۱۱۷	تصاویر
۱۲۳	مآخذ

پیش سخن

در اغلب جوامع امروز، نهادهای آموزش و پرورش، ابزارهای مهم تحقق اهداف و مقاصد اجتماعی به‌شمار می‌روند و انتظار می‌رود تا موجبات رشد و توسعه اجتماعی، سیاسی، اقتصادی جامعه را فراهم سازد. این امر اجتماعی - حیاتی در دو بخش آموزش (فرآگیری میراث‌های مادی و غیرمادی جامعه) و پرورش (ایجاد دگرگونی‌های لازم در افراد بر پایه ارزش‌های مطلوب جامعه) از خانه، خاندان و دودمان، تا سطح گسترده‌تر جامعه به‌صورت تقلیدی و تلقینی (مشاهده‌ای) و منظم و عمدی (تعمیم) تحول یافته و بدیهی است که در جوامع پیشرفته‌تر و متمدن به‌دلیل شرایط خاص مناسب‌تر، هدف‌مندتر و چشمگیرتر باشد.

حرکت‌های تاریخی و اجتماعی در نهادهای آموزش، پرورش و اهداف، اصول و برنامه‌های آن، دگرگونی‌های لازم را پدید آورده و به‌مرور ارزش‌ها و اعتبارهای فرهنگی مناسب و متحول را به نهادهای مزبور اعمال داده است. به این اعتبار می‌توان نهادهای یادشده را در «مجموعه فرهنگ مناسب» قرارداد و مسیر حرکت‌ها و دگرگونی‌های سستی آن را آشکار کرد. بررسی این امر اجتماعی - فرهنگی در سطح ابتدایی، کودکان حدود پنج‌ساله تا نوجوانان سیزده‌ساله (پروردگان نظام دبستانی در ایران باستان و مکتب‌خانه در اعصار اسلامی)، موضوع این پژوهش است.

مباحث تاریخی و اجتماعی و نهاد مکتب‌خانه که بعد از خانواده، منسجم‌ترین نهاد اجتماعی امر آموزش و پرورش به‌شمار رفته، پس از بیان

کوتاهی از چگونگی حیات تاریخی آن نهاد در اعصار باستانی و نقل ایاتی مناسب از شاهنامه در نشان دادن پیوندهای تاریخی آن به معنای عناصر اصلی ارتباط فرهنگی ایران باستان و اعصار اسلامی، طی فصول منطقی و زمانی، به تشریح آن مبادرت شده است.

در جامعه گسترده ایران، نظام آموزشی با گذر فرهنگی از دوره‌ها و سده‌های مختلف، تحولات و تغییرات بسیار یافت. در تاریخ ایران اسلامی، با عنوان «نهاد» مکتب‌خانه و «نظام» ویژه‌ای از آموزش و پرورش، در کلیت فرهنگی ایران جای یافته و آخرین تکاپوی حیات تاریخی خود را تا عصر کنونی استمرار داده است.

ناگفته نماند مکتب یا مکتب‌خانه با کتاب به عنوان نهادی برخاسته از تحولات فرهنگی، اسلام و موقعیت کشورهای تازه مسلمان به صورت‌های گوناگون تبلور علمی داشته اما با علت‌های خاص تاریخی - فرهنگی، این نهاد کارا، در سرزمین‌های ایرانی زمین، از مقبولیت بیش‌تر برخوردار بوده است.

به تحقیق، سازمان‌یابی این نظام به واسطه آموزش کودکان و نوجوانان، به دلیل وجود ریشه‌های تاریخی در نهادهای هراند در ایران‌زمین، با نفوذ دیانت اسلام از یک‌سو، محتوای آموزش‌های آن دگرگون یافت و از سوی دیگر نهادهای ایرانی آموزش‌های متحول تاریخی، با داشتن توان تداوم سازنده، در شکل‌گیری مؤسسات آموزش و پرورش جدید اسلام بارورتر و در جوامع مسلمانان جهان نیز مؤثر واقع شد و بسیاری از ساکنان سرزمین‌های هم‌جوار در غرب ایران‌زمین (امپراتوری عثمانی و پاره‌ای از کشورهای اروپای شرقی و بالکان) و شرق ایران‌زمین (هندوستان، پس از جنگ و فتوحات غزنویان و گسترش فرهنگ و ادب ایرانی در آن منطقه) از دبستان‌های کهن ایرانی و مکتب‌های دوره پس از اسلام اقتباس‌هایی کرده‌اند.

نهاد پویای مکتب‌خانه دوره‌های تاریخی ایران را گذراند و در این مسیر گاه شکوفایی و رونق فرهنگی داشت و گاه در پی حملات و یورش‌های نظامی غیرخودی (بیگانه) و گاه خودی، آسیب‌های فراوان یافت و در هر منطقه‌ای از ایران زمین، صبغه‌های گوناگون از خود نشان داد و در سده‌های اخیر با تأسیس مدرسه‌های جدید اروپایی و بنای مدرسه‌های ایرانی برپایه پاره‌ای اقتباس‌ها از مغرب‌زمین، مکتب‌خانه‌ها از رونق افتادند، اما به هر شکل که بود حیات فرهنگی تاریخی خود را به انقلاب اسلامی ایران رساندند و در این نظام جدید، کار مدرسه‌ها و انواع گوناگون آن در یک نظام واحد قرار گرفت و حیات فرهنگی مکتب‌خانه پایان یافت (برای آگاهی بیشتر → تکمیل‌همایون، ۱۳۸۲، ص ۳-۳۶)

منابع این پژوهش به دو نوع عمومی و خصوصی منقسم است. در منابع عمومی، نوشتارهای تاریخی (تاریخ‌نامه‌های ادوار گوناگون) و اجتماعی (شهرنامه و کتاب‌های جغرافیایی و رساله‌های «حسب»)، فرهنگی (احوال مشاهیر و کتاب‌های اخلاقی و دینی) و جزایر مهم از مهم‌ترین و مأخذ اصلی و مطالعات پژوهشگران جدید، اهمیت دارد. در منابع خصوصی نیز، کتاب‌ها و مقاله‌ها (اصلی یا پژوهشی) که به‌طور خاص به بررسی در نهاد آموزش و پرورش مقاطع کودکان و نوجوانان با تعلق به دوره‌ای مشخص پرداخته، مورد توجه است. این منابع گاه متعلق به جهان اسلام رده که از لایه‌لای آنها مطالب مربوط به ایران استخراج و تا حد امکان تریون بر تحقیقات خودی، به نظر ایران‌شناسان و پژوهشگران خارجی نیز توجه شده است.

بررسی حاضر از شکل‌گیری نخستین نهادهای آموزش کودکان در جهان ایرانی آغاز شده و پس از تحولات و تطورات تاریخی تا دوران مسئولیت رسمی و قانونی دولت و حکومت در امر معارف و تعلیم و تربیت ادامه

پیدا کرده و دوران حاکمیت نظام مشروطیت ایران را نیز دربر گرفته و با برپایی نظام جمهوری اسلامی پایان یافته است.

شرح تفصیلی و تبویب آن در فهرست مطالب آمده، اما در آغاز این پژوهش اشاره‌ای به نهادهای آموزش کودکان و نوجوانان در ایران باستان، مه‌خلی به جا و لازم است.

پیشینه

نهاد آموزش پرورش کودکان در ایران در دوره‌های پیش از اسلام در پیوند آموزش با پرورش، تکالیف فرهنگی خانواده‌ها، بر پایه مذهب و رهنمودهای آن تحقق یافته است. تألیفات تاریخ‌نگاران کهن یونانی چون هرودوت^۱ (۴۸۰-۴۲۰ ق.م) گزنفون^۲ (۴۳۰-۳۵۵ ق.م) استرابون^۳ (۵۸ ق.م - ۲۵ م) و جرآن^۴، هر چند زیاد هماهنگی با هم ندارند، اما کم‌وبیش در شناخت امر آموزش پرورش آن روزگاران سودمند هستند (Dandamayev, 1998, p. 178).

کودکان تا سن هفت سالگی قطعاً تحت تربیت (سرودهای گات‌ها یا گاهان) را حفظ می‌کردند و اندک‌اندک از عهدۀ نظارت خرد نیز برمی‌آمدند و آن‌گاه به آموزشگاه (دبستان) می‌رفتند. دبستان‌ها با آن‌که بزرگ‌زادگان و وابستگان به مقامات شاهی تعلق داشت، اما فرزندان گروه‌های میانه نیز در آن‌جا آموزش می‌گرفتند. این نهاد از اماکن شلوغ و محل‌های خرید و فروش دور بود. احتمالاً در جوار آتشکده‌ها قرار داشت و مسلم به نظر می‌رسد که دبستان‌ها و آموزشگاه‌های ایران باستان، اثراتی از آموزش و پرورش سومریان را پذیرفته است.

آموزگاران یا ایتراپایی‌تی^۱ (دانشمند - دانشمند بد) تعلیم کودکان را برعهده داشتند و معلمان دینی یا پوریوتکیشان یا آثروان^۲ و اندرزیدان به آموزش‌های عقیدتی می‌پرداختند و با پسند کامل، وظایف خاص آموزشی خود را انجام می‌دادند.

برنامه‌های مدارس، خواندن و نوشتن و فراگرفتن اندکی از ریاضیات، علم‌الاشیاء و ورزش بود و به لحاظ معنوی و اخلاقی نیز به قول آدولف راپ^۳: «از طفولیت در روح جوانان ایران نهال نیک‌رفتاری و انسانیت و وطن‌دوستی کاشته می‌شد به گونه‌ای که در آتیه می‌توانستند خدمات شایان و وظایف خود را به وطن و ملت سر داده‌اند» (سامی، ۱۳۴۱، ص ۳۰۳).

ناگفته نماند دختران در دوره ابتدایی دانش‌آموزی، همسان پسران آموزش می‌گرفتند، اما پس از پایان آن از دروس می‌کردند و به ندرت به درجات علمی بالاتر می‌رسیدند. در دبستان‌های آن، زنگار، تشویق و ترغیب و گاه تنبیه و سرزنش هم وجود داشت.

اهداف اساسی آموزش ایرانیان در آن دوره بر پایه‌های زیر است:

- آماده‌کردن کودک و نوجوان برای زندگی فردی و اجتماعی برپایه‌های فرهنگ قومی و ارزش‌های برین جامعه (مذهب)؛
- پرورش شخصیت کودک و نوجوان و استعداد و قابلیت ذاتی او برای برخورداری از جامعه؛
- کشف توانایی‌های کودک و نوجوان و آموختن پیشه و حرفه برین داشتن شغل و زیست اقتصادی در جامعه.

گزنفون درباره اهمیت پرورش در آن روزگار آورده است:

«کودکان به مدرسه می‌روند تا راه عدالت و پرهیزگاری بیاموزند و به شما

خواهند گفت که هدف آنها غیر از این نیست و این معنی در نزد ایشان همان اندازه طبیعی است که ما دربارهٔ الفبا آموختن خویش حرف می‌زنیم» (۱۳۵۰، ص ۵).

به لحاظ مکانیسم نهادی، اشاره شد که خانواده به گونهٔ نهاد بنیادین، آموزش زادگان خود را برعهده داشت و مادران در انتقال فرهنگ و سنت‌های اصیل ایرانی و بارورساختن کودکان برای آینده سهم بسیار داشته‌اند و تمام ترش آنان به این بود که فرزندانشان دانا، دلیر و مفید به حال خود و خانواده و کشورشان باشند. هرودوت اعتقاد دارد که فرزندان را در دورهٔ کودکی از پدر دور نگاه می‌داشتند تا اگر «در اوایل رشد تلف شوند، کم‌تر باعث تأثر خاطر پدر گردد» و زوده‌ست: «به نظر من این روش ستوده‌ای است که ایشان دارند» (۳۸۳، ص ۷۰ - ۷۶).

پس از یورش اسکندر، نهضت سلسلهٔ هخامنشیان، سرتاسر دورهٔ حاکمیت سلوکیان دبستان‌های مناطق مختلف تاریخی خود را ادامه دادند. پس از فترت در دورهٔ اشکانیان نظام آموزشی برپایهٔ شناخت، دو گوهر نیک و پلید، آموزش و هوش، آموزش خداگرایانه، آموزش و تربیت انسان، همگانی‌بودن آموزش و والابودن آموزگاران، تا زمانی که ساسانیان بر مسند فرمانروایی رسیدند و جامعهٔ گستردهٔ ایران به نوعی وحدت رسید و حالت رشدت با صبغهٔ جدید به‌صورت محور اندیشه و حرکت اتحاد درآمد، استمرار یافت.

تعالیم مذهبی و سوادآموزی رونق بیش‌تر یافت. همانند گذشته، خانواده نقش آموزشی خود را ادامه می‌داد و آموزشگران هیربدان به‌طور عام اندرزبدان^۱ در آموزشگاه‌ها (هیربدستان) وظایف خود را انجام می‌دادند. آموزش سوارکاری، شکار و تیراندازی، کشتی نیز در برنامه‌های تحصیلی جای خاصی پیدا کرد.

در سطح عمومی جامعه، فرهنگ و آموزش اعتبار بیش‌تر یافت و اندرزنامه‌های موجود که اغلب آنها به فارسی امروزی برگردانده شده، در زمره اسناد شناخت اهداف فرهنگی در دسترس پژوهشگران قرار دارد. ناگفته نماند که بسیاری از آنها زیر عنوان آداب‌الفرس در صدر اسلام به زبان عربی ترجمه شده و در کتاب‌های اخلاقی و پندنامه‌های فارسی نیز تأثیرات آنها آشکار شده است.

بر پایه آگاه‌های تاریخی، در آن دوره کم‌وبیش در تمام شهرها و شهرک‌ها، آموزشگاه‌های متعدد (مستان و دبیرستان) پدید آمد و آموزگاران و وظایف خود را در آماده‌سازی کودکان و نوجوانان در کسب و پذیرش فرهنگ و ارزش‌های جامعه انجام می‌دادند. در خانواده‌ها، زبان‌دانی، دانش و هنر (فن و صنعت) و جلوه‌ها و زمینه‌های گوناگون زندگی، پسران و دختران ایران‌زمین آموزش می‌دیدند. این آموزشگاه‌ها گاهی مستقل بودند، چنانچه فردوسی آورده است:

بهر برزنی در دبستان بودی همه جای آتش‌پرستان بودی
و گاه نشان می‌دهد که مدرسه‌ها در پرستشگاه‌ها برپا می‌شدند.

چنان بود رسم اندر آن روزگار که باشد در آتشگاه آموزگار
حکیم ابوالقاسم فردوسی که در مرز تاریخی عصر باستان و اعصار اسلامی تاریخ ایران حیات داشت، در شاهنامه درباره موضوع آموزش و پرورش ایران به‌صورت پراکنده، اما استادانه بحث شده است که اثراتی از احادیث و تعالیم قرآنی نیز در آن دیده می‌شود. در بندهای زیر به چگونگی آنها اشاره شده است:

پایگاه فرهنگ و آموزش (هدف)

خرد یار و فرهنگش آموزگار	هنر باید و گوهر نامدار
بدین داستان زد یکی هوشیار	گوهر بی‌هنر ناپسند است و خوار
سزوار خلعت نگه کن که کیست	خرد مرد را خلعت ایزدی است

خرد زیور نامداران بود
خرد مایه زندگانی شناس
چو گنجی بود پر زر و خواسته
بدان کاین جدا و آن جدان نیست زین

خرد افسر شهریاران بود
خرد زنده جاودانی شناس
دلی کز خرد گردد آراسته
خرد همچو آب است و دانش زمین

آ وختن (حرکت به سوی دانش) و اهمیت آن

که گوید که دانا و نادان یکی است
ز دانش میفکن دل اندر گمان
اگر زیر دستید و اگر شهریار
نگر تا کدام آیدت دلپذیر
به بد در جهان تا توانی مکوش
خرد را همان بر سر افسر کنید
که دانا بود نزد او ارجمند

ولاکن از آموختن چاره نیست
میاسای ز آموختن یک زمان
دگ آن که دانش نگیرید خوار
سمن بختی بهترین یاد گیر
دلت دار زنده به فرهنگ و هوش
به دانش روان را توانگر کنید
بدانکه شد تاج خست و بلند

پرورش فرزندان (فرهنگ‌پذیر)

به از خامشی هیچ پیرایه نیست
سخن‌های دانندگان بشنوی
چو در آب دیدن بود چهر خویش
سزد گر دلش باید افروختن
به گیتی با نادان نباید سپرد
چو خوامی که ز بد نیابی گزند
به دانش نیوسا بیاد شدن

ز دانش چو جان ترا مایه نیست
به آموختن چون فروتن شوی
فزودن به فرزند بر مهر خویش
ز فرهنگ و ز دانش آموختن
سپردن به فرهنگ فرزند خرد
به دانش گرای و بدو شو بلند
به هر کار کوشا بیاید شدن

دین و آموزش (ارزش‌ها) (شکل‌گیری فرهنگی)

که از کار گیتی بی‌اندوه بود
منم سوگواری از ایران‌زمین
همی بود خواهد سرانجام
سپارد کمر بند او خاک را

یکی مرد دینی بدان کوه بود
فرانک بدو گفت کای پاک‌دین
بدان کان گران‌مایه فرزند من
بپرد سر و شاخ ضحاک را

پدروار لرزانده برجای اوی
نیآورد هرگز بدو باد سرد
دلش را ز دانش برافروختن
همه دل به دانش بیاراستی

همه جای آتش پرستان بدی
سپردی چو بودی از آهنگیان
دهد کودکان را به فرهنگیان
کسی کش ز فرزاندگی بود بهر
نشست سر افزای و خسروی
بیآورد فرهنگ جویان برش
ز داننده کشور به رامش بود
دل از تیرگی‌ها بیفروزدش
نجومی دگر مردم هندسی
سنگری و از مردم کاردان
به دانش همه رهنمای توایم
دگر سوداها که آید همی
ز من کودکی شرح خواب مساز
که آمد کنون گلا آید رگار
سوی سورسان سرکشی رمیون
که در سورسان بود با آبروی
دل از تیرگی‌ها بیفروزدش
بیاموزدش کان بود دلفروز
همان گردش تیغ و با بدگمان
ز گفتار و کردار آگاهان

تو را بود باید نگهبان اوی
پذیرفت فرزند او نیک‌مرد
ز دانندگان دانش آموختن
خور و خواب با موبدان خواستی

نهاد آه و روش (سازمان و آموزشگران)

به هر برزن اندر دبستان بدی
همان کودکی را به فرهنگیان
کسی کز به دمی و سنگ آن
بیآورد فرهنگیان را ز شهر
نبشتن بیاموختن به اوی
و زو شادمان شد دل مادرش
نگه کن به جایی که دانش
به برگیرد و دانش آموزدش
ز رومی و از هندی و پارسی
هم از فیلسوفان بسیار دان
همه سربه سر خاک پای توایم
نگر تا پسندت که آید همی
چنین گفت کای مهتر سرفراز
بداننده فرهنگیانم سپار
فرستاد هم در زمان رهنمون
سه موبد نگه کرد فرهنگجوی
یکی تا دبیری بیاموزدش
یکی آن که دانستن باز و یوز
و دیگرش چوگان و تیر و کمان
سدیگر که از کار شاهنشهان

به گوید به بهرام خسرو نژاد که اندر هنر داد مردی بداد
 هنر هرچه بگذشت بر گوش او به فرهنگ‌بازان بسدی هوش او^۱
 بدین‌سان در جامعه گسترده ایران، نظام آموزشی و نهادهای برخاسته
 از جماعت‌های نانویسا در پیوند با خانواده‌ها و خاندان‌ها، با گذر تاریخی و
 فرهنگی در دوره‌های تشکیل سلسله‌های نیاکانی و شاهی و شکل‌گیری‌های
 نوناگرن و التقاط‌ها و ادغام‌ها (نظام‌های آموزشی سومریان)، حیات بارور خود
 تا عصرهای مدنیت هخامنشی، اشکانی و ساسانی رسانده و در دوره متأخر
 جلوه‌ها را روشن‌تر و با استمرار به‌دست آورد. بی‌تردید وجود زمینه‌های
 مثبت در احیای تاریخی فرهنگ ایران رشد و تعالی تمدن اسلامی و انواع
 نهادهای آموزش و پرورش را در این جامعه فراهم آورده است.

بررسی امر اجتهاد - فرهنگی آموزش و پرورش در سطح ابتدایی (کودکان،
 کم‌وبیش پنج ساله تا نوجوانان سیزده ساله) که موضوع اصلی پژوهش است،
 در تاریخ ایران اسلامی با عنوان «مکتب‌خانه» دارای ساختار ویژه‌ای در
 امر آموزش و پرورش است که در کلیت فرهنگی ایران قرار دارد و آن سان که
 یاد شد، آخرین تکاپو و حیات تاریخی آن تا عصر کنونی استواری یافته است
 (تکمیل همایون، ۱۳۸۵، ص ۱۳).

ناگفته نماند آهنگ نگارش این کتاب، پس از آموزش و پرورش
 کودکان و نوجوانان ایران در طی تاریخ بوده که در احیای اسلامی با عنوان
 نظام مکتب‌خانه شهرت یافته است. در نشان‌دادن این امر بی‌شک، توجه به
 دگرگونی‌های اجتماعی و سیاسی جامعه، بدان‌سان که اشاره شد، اهمیت دارد،
 به‌همین جهت در هریک از فصل‌های کتاب اشاره‌ای کوتاه به اوضاع جامعه و
 اثرات آن در امر آموزش و پرورش بیان می‌شود.

۱. اشعار فردوسی از شاهنامه چاپ مسکو انتخاب شده است.